

The Impact of Financial Development and Economic Freedom on the Economic Growth of the Agricultural Sector (Case Study: Selected Middle Eastern Countries with Emphasis on Iran)

Mohammad Javad Mehdizadeh Rayeni¹, Saman Ziaee², Mahmoud Ahmadpour Borazjani³, Omid Sharifi*⁴

1, Ph.D. Student of Agricultural Economic, Department of Agricultural Economic, Collage of Agricultural Economic, University of Zabol-Zabol-Iran

2, Associate Professor, Department of Agricultural Economic, Collage of Agricultural Economic, University of Zabol-Zabol-Iran

3, Assistant Professor, Department of Agricultural Economic, Collage of Agricultural Economic, University of Zabol-Zabol-Iran

4, Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Collage of Agricultural, University of Jiroft-Jiroft-Iran

(Received: Sep. 29, 2020- Accepted: Apr. 13, 2021)

ABSTRACT

One of the factors that play a key role in achieving the goal of rapid and sustained economic growth is the expansion of the financial sector. Therefore, the development and expansion of financial markets in the agricultural sector of these countries is of particular importance. Also, one of the macroeconomic goals of countries is to create the conditions necessary to promote sustainable and sustainable economic growth. The purpose of the present study is to investigate the impact of financial expansion and economic freedom on the growth of selected agricultural products in the Middle East countries with emphasis on Iran during the period 2016-2017. The method used in this study is fixed effects method based on the results of Hausman country test. The results showed that financial expansion, economic freedom, physical capital and labor force in agricultural sector had positive and significant effects on growth with coefficients of 0.39, 0.42, 0.31 and 0.12, respectively. The agricultural products are in the Middle East and Iran. Therefore, it is suggested that countries in the Middle East, and in particular Iran, can grow further in the agricultural sector by opening the door to trade by removing tariff barriers and trade restrictions.

Keyword: Financial expansion, Economic freedom, Middle East, Panel Data, Iran

Extended Abstract

Objectives

Achieving sustainable agricultural growth as one of the key sectors of the economy is one of the key issues for developing countries to achieve economic growth. Such growth depends on the willingness of governments to reduce poverty, the need to regulate adequate food supply, and to pay attention to the key role that agriculture can play in the overall economic development of countries. Given the special importance of financial development in helping to accelerate investment, and ultimately, in contributing to economic growth and development, on the other hand, the significant importance of the agricultural sector to the development and economic growth of countries, especially in developing countries, hence development. And the expansion of financial markets in the agricultural sector of these countries is of particular importance. Economic freedom, on the other hand, means closer market economy and reduced government intervention in production, distribution, and consumption activities, rooted in the beginnings of modern economics. In general, it can be said that globalization leads to rapid business growth in the world and reduces the cost of information and communication. On the one hand, the potential commercial interests of the agricultural sector will increase, and on the other hand the ability to

access global markets, especially in those where there is comparative advantage, as well as directly increasing the scope of the agricultural sector to compete globally along with will have. The purpose of this study was to investigate the impact of financial expansion and economic freedom on the growth of selected agricultural products in the Middle East countries with emphasis on Iran using synthetic data over the period 2006-2017.

Methods

This study estimates the impact of financial development and economic freedom on agricultural output growth using panel data and statistics for 17 countries for the period 2006-2018.

Results

The results show that financial expansion, economic freedom, physical capital and agricultural labor force have a positive and significant effect on the growth of agricultural production in the Middle East and Iran.

Discussion

It is suggested that countries, and especially Iran, increase their lending to the agricultural sector by facilitating financing and lowering the costs of exchange and production. Provides the agricultural sector. It is suggested that by reducing trade constraints such as tariffs on the one hand and expanding exports on the other hand, steps are taken to increase the economic growth of the agricultural sector. Therefore, with the economic liberalization of existing capabilities and capabilities, optimal use is made of resources and factors of production with maximum efficiency in production. Middle East countries can grow further in the agricultural sector by opening up trade gates and increasing exports and imports by removing tariff barriers and trade restrictions.

تأثیر توسعه مالی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی بخش کشاورزی (مورد مطالعه: کشورهای منتخب خاورمیانه با تأکید بر ایران)

محمد جواد مهدی‌زاده رایینی^۱، سامان ضیایی^۲، محمود احمدپور برازجانی^۳، امید شریفی^۴
 ۱، دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل، زابل، ایران
 ۲، دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل، زابل، ایران
 ۳، استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل، زابل، ایران
 ۴، استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه جیرفت، جیرفت، ایران
 (تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱/۲۴)

چکیده

یکی از عواملی که در دستیابی به هدف رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کند، گسترش بخش مالی کشورها است. لذا، توسعه و گسترش بازارهای مالی در بخش کشاورزی این کشورها از اهمیتی ویژه برخوردار است. همچنین، یکی از اهداف کلان اقتصادی کشورها، ایجاد شرایط لازم جهت رشد اقتصادی مستمر و باثبات است. از جمله عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی آزادی اقتصادی است. لذا، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر توسعه مالی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی بخش کشاورزی کشورهای منتخب خاورمیانه با تأکید بر ایران با استفاده از داده‌های تلفیقی طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۵ است. روش مورد استفاده در این مطالعه با توجه به نتایج آزمون هاسمن روش اثرات ثابت است. نتایج به دست آمده نشان داد که گسترش مالی، آزادی اقتصادی، سرمایه فیزیکی و نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی به ترتیب و با ضرایب ۰/۳۹، ۰/۴۲، ۰/۳۱ و ۰/۱۲ تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد تولیدات بخش کشاورزی کشورهای خاورمیانه و ایران دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه ایران با باز کردن درهای تجارت از طریق از بین بردن موانع تعرفه‌ای و محدودیت‌های تجاری می‌توانند رشد بیشتری در بخش کشاورزی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: گسترش مالی، آزادی اقتصادی، خاورمیانه، داده‌های تلفیقی، ایران.

مقدمه

در کشورهای در حال توسعه و پدیده جهانی شدن، شرایط خاصی را برای بخش کشاورزی این کشورها به وجود آورده است که بیانگر نقش بسیار حیاتی کشاورزی در حال و آینده بوده و بر توجه بیشتر به مقوله توسعه و سرمایه‌گذاری در این بخش تأکید دارد (Shah abadi & Mahmudie, 2006) با توجه به این که سرمایه یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید به‌شمار می‌آید؛ لذا، این نهاد نقش بسزا در افزایش سطح تولید فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش بهره‌وری دیگر عوامل تولید دارد. از این‌رو، عامل سرمایه و سرمایه‌گذاری از عوامل مهم برای

دستیابی به رشد پایدار کشاورزی به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصاد، از جمله مسایل اساسی کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به رشد اقتصادی می‌باشد. ایجاد چنین رشدی به تمایل دولت‌ها در زمینه فقرزدایی، ضرورت سامان‌دهی عرضه غذای کافی و توجه به نقش کلیدی که بخش کشاورزی می‌تواند در توسعه فراگیر اقتصادی کشورها ایفا نماید، بستگی دارد. کمبود عرضه غذا، فقدان فناوری‌های نوین، کاهش سرانه اراضی کشاورزی، فراهم نبودن بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری

رشد بخش کشاورزی، در جهت رشد و توسعه بخش کشاورزی می‌باشد. بازارهای مالی یکی از مهم‌ترین واسطه‌ها میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای تأمین سرمایه مورد نیاز بخش‌های گوناگون اقتصادی از جمله بخش کشاورزی به‌شمار می‌روند (Shahbazi & Saedipour, 2013).

بخش مالی مکمل بخش حقیقی اقتصاد است و عملکرد بهینه نظام اقتصادی در جامعه منوط به وجود دو بخش حقیقی و مالی کارا، مکمل، قدرتمند و تحت نظارت است. نبود بازار مالی کارآمد و ناتوانی آن در تأمین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری، روند توسعه و رشد اقتصاد را کند خواهد کرد. از این‌رو، مشخص است که یکی از ارکان اساسی برای رسیدن به رشد و توسعه پایدار و مطلوب، گسترش بازارهای مالی است. با توجه به اهمیت ویژه توسعه مالی در کمک به تسریع سرمایه‌گذاری و در نهایت، کمک به رشد و توسعه اقتصادی و از سوی دیگر، اهمیت قابل توجه بخش کشاورزی در راستای توسعه و رشد اقتصادی کشورها، بویژه در کشورهای در حال توسعه، توسعه و گسترش بازارهای مالی در بخش کشاورزی این کشورها از اهمیتی ویژه برخوردار است، اما از سوی دیگر، توسعه بازارهای مالی در بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر بخش‌ها به دلیل ویژگی‌ها و جنبه‌های اطلاعاتی خاص که در این بخش حاکم است، متفاوت می‌باشد و این ویژگی‌ها عرضه و تقاضای خدمات مالی را در این بخش محدود ساخته و حتی نقایص بازارهای مالی را دامن می‌زند (Abdolahi, 2005).

از طرفی، آزادی اقتصادی به معنای نزدیکی اقتصاد بازار و کاهش مداخله دولت در فعالیت‌های تولید، توزیع و مصرف است که ریشه آن به آغاز علم اقتصاد مدرن باز می‌گردد. نظریه‌های اقتصادی رایج در سال‌های اخیر، تعامل آزادانه افراد و بنگاه‌های اقتصادی را به عنوان بهترین راه تأمین کارایی اقتصادی بر می‌شمارند. در این شرایط، با وجود آن‌که برخی از صاحب‌نظران، آزادی اقتصادی را به حبابی تشبیه می‌کنند، امروزه اغلب اقتصاددانان به یک توافق جهانی در این موضوع رسیده‌اند که کامیابی اقتصادی در یک کشور (و همچنین در سطح جهان) منوط به تجارت آزاد، دسترسی به پول قوی، جریان بین‌المللی کالا، سرمایه و نیروی کار، تعیین

قیمت‌ها در بازار آزاد و حمایت از حقوق مالکیت است که می‌توان همه این موارد را در چارچوب وسیعی تحت عنوان آزادی اقتصادی در نظر گرفت. اما باید توجه داشت که همانطور که مبنای تئوریک و مطالعات تجربی در این زمینه نشان می‌دهند، آزادی اقتصادی در ارتباط مستقیم با شاخص‌های اقتصادی و غیراقتصادی زیادی از قبیل توسعه اقتصادی، توسعه انسانی، رشد اقتصادی بخش‌های اقتصادی، فقر و توزیع درآمد، آزادی‌های سیاسی و مدنی قرار داشته و به‌طور جدی بر آن‌ها اثر می‌گذارد. در این میان آنچه باید در نظر داشت آن است که رشد اقتصادی همواره از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در کشورهای مختلف بوده است و به همین علت، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین اهداف سیاستی مورد نظر سیاست‌گزاران و اقتصاددانان است (Amiri et al. 2019). بنیاد هریتیج آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات بپردازند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج از آنجایی که آزادی اقتصادی به‌عنوان نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به‌عنوان نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات تعبیر کرد (Murphy & Yeom, 2018).

نکته قابل توجه این است که آزادسازی با رهاسازی اقتصادی متفاوت است و هر جا سخن از آزادی اقتصادی است، منظور رهاسازی اقتصاد نیست، بلکه بایستی با فرآیند تعریف‌شده‌ای به سمت آزادسازی اقتصاد حرکت کرد. بنابراین، با جمع‌بندی مفاهیم ارائه شده در خصوص آزادسازی اقتصادی، به‌نظر می‌رسد جوهره اصلی سیاست‌های آزادسازی اقتصادی حرکت به‌سوی اقتصاد بازار و رهایی از اقتصاد دولتی و متمرکز است. آزادسازی اقتصادی امروزه به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های بحران اقتصادی ممالک رو به رشد جهان است. توصیه بانک جهانی نیز به کاربرد و استفاده از مکانیسم بازار در بسیاری از کشورهای جهان سوم موجب اصلاحات اقتصادی آنان شده است (Shafee & Zaraat pisheh, 2012).

سایر کشورهای منطقه بسیار پایین است. وضعیت این شاخص در سال‌های قبل از انقلاب نسبت به بعد انقلاب بهتر بوده است. در سال‌های پس از انقلاب به علت ایجاد تغییراتی مانند ملی کردن بانک‌ها و برخی صادره‌ها و همچنین وقوع جنگ و گسترده شدن حجم دولت، وضعیت این شاخص برای ایران بدتر شده، ولی تقریباً از سال ۱۳۷۲ به بعد با آغاز دوره سازندگی و اجرای سیاست‌های تعدیل، آزادی اقتصادی کشور روند صعودی به خود گرفته است. کاهش امتیاز برخی از عوامل نظیر آزادی مبادله با خارجیان و همچنین، قوانین مربوط حقوق مالکیت خصوصاً در سال‌های پس از انقلاب تأثیر به‌سزایی بر کاهش درجه آزادی اقتصادی کشور داشته است. در سال‌های اخیر اصلاح قوانین و مقررات و همچنین، کاهش موانع موجود بر مبادلات (کاهش هزینه‌های تعرفه) و غیره تأثیر زیادی بر افزایش آزادی اقتصادی کشور داشته است. لیکن، هنوز هم امتیاز مربوط به آزادی اقتصادی به مقدار اولیه خود یعنی ۶۵ در سال ۱۹۷۰ نرسیده است (Jafarie Samimi & Salehi, 2013). همچنین، بررسی روند تغییرات رتبه ایران در این شاخص طی سال‌های ۲۰۱۰ لغایت ۲۰۱۶ نشان می‌دهد، رتبه ایران بین ۱۶۸ تا ۱۷۳ در نوسان بوده، بهترین رتبه ۱۶۸ بوده که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ کسب شده است. در سال ۲۰۱۶ ایران مانند سال ۲۰۱۵ و ۱۷۱ بوده که بیان‌گر قرار گرفتن جایگاه ایران در این رتبه پس از بهبودی دو رتبه‌ای در سال ۲۰۱۵ بوده است (Amiri et al, 2019).

مطالعات گوناگونی وجود دارد که چگونگی تأثیر گسترش مالی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی را تبیین می‌کنند که در ادامه مهم‌ترین مطالعات انجام گرفته در این زمینه بیان خواهد شد. (Shahbaz et al. 2017) به بررسی رابطه نامتقارن بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی با تأکید بر توسعه مالی در دوره زمانی ۱۹۶۰-۲۰۱۵ برای هند پرداختند. نتایج نشان می‌دهند که شوک‌های منفی توسعه مالی از راه کاهش مصرف انرژی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Murphy & Yeom, 2018) در پژوهش خود به بررسی رابطه بلندمدت تنوع تولیدات بخش کشاورزی و آزادی اقتصادی پرداختند. نتایج نشان داد که بین تنوع تولیدات بخش کشاورزی و

بر اساس نگرش Helamyint (۲۰۱۴)، از آنجا که زمین و نیروی کار در بخش کشاورزی کشورهای رو به توسعه، به‌طور بهینه و کامل مورد استفاده قرار نگرفته است، با گسترش روابط تجاری، این دسته از کشورها خواهند توانست ظرفیت‌های بیشتری برای تولید فرآورده‌های کشاورزی ایجاد، و بدون کاهش مصرف داخلی، مازاد آن‌ها را صادر کنند. بدین ترتیب امکان ورود کالاهای صنعتی و دیگر فرآورده‌های مورد نیاز در بهره‌وری به‌وجود می‌آید. این نگرش در حقیقت تجارت را به‌مثابه نیرویی پویا تفسیر می‌کند که از راه گسترش بازار و تقسیم کار این اجازه را به کشور می‌دهد که از ماشین‌آلات و ظرفیت‌های شکل گرفته استفاده بیشتری ببرد (Pingali & Sringer, 2004). Anisha Madan (۲۰۰۵) چهار دلیل را برای آن که آزادی اقتصادی بالا منجر به رشد بیشتر می‌شود، ذکر می‌کند: نخست اینکه وجود امنیت برای حقوق مالکیت و همچنین، پایین بودن مالیات‌ها سبب می‌شود افراد به کارهایی اقدام نمایند که کارا تر باشد، از این‌رو، افزایش کارایی، خود منجر به رشد بیشتر خواهد شد. دوم اینکه آزادی بیشتر در مبادلات موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد، از این‌رو، توسعه فنون و بازده اقتصادی منجر به افزایش رشد خواهد شد و سوم اینکه آزادی ورود و رقابت در بازارها منجر به افزایش کارایی و سود بیشتر می‌گردد و منابع به‌سوی فعالیت‌هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می‌گردد. چهارم، هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌گردد. لذا، فرصت‌هایی که قبلاً مورد چشم‌پوشی واقع می‌شدند به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند. لذا، از لحاظ نظری، انتظار می‌رود آزادی اقتصادی بیشتر منجر به رشد اقتصادی بیشتر گردد. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود آزادی اقتصادی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد (Babaki & Salimifar, 2014).

مقایسه آمار مربوط به شاخص آزادی اقتصادی ایران از سال ۱۳۸۰ با سایر کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد که شاخص آزادی اقتصادی در اقتصاد ایران نسبت به

پرداختند. نتایج نشان داد که سیاست حمایتی بر بخش، کارایی لازم را نداشته و لزوم توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به میزان و نحوه تخصیص حمایت‌ها را بیش از پیش ضروری نشان می‌دهد. (Salami, 2016) مطالعه‌ای با عنوان تجزیه اثر تغییر تکنولوژی بر رشد تولید بخش کشاورزی ایران: روش تحلیل تجزیه ساختاری انجام دادند. نتایج نشان داد که رشد تولیدات محصولات کشاورزی بیشتر تحت تأثیر تغییر تکنولوژی در بخش صنایع غذایی واقع شده که به‌طور نسبی در جهت استفاده بیشتر از محصولات دامی و طیور و استفاده کمتر از سایر محصولات کشاورزی بوده است. این امر لزوم گسترش این صنایع را برای فرآوری محصولات زراعی، باغی و آبزیان به موازات گسترش صنایع فرآوری محصولات دامی و طیور آشکار می‌سازد. (Pishbahar et al, 2015) بررسی آثار ناپایداری و نوسانات تجاری کشاورزی بر رشد بخش کشاورزی در ایران پرداختند. نتایج نشان داد تأثیر بی‌ثباتی صادرات بر تولید بخش کشاورزی منفی و اثر متغیرهای صادرات، واردات، سرمایه و نرخ ارز واقعی مثبت و معنی‌دار و تأثیر نیروی کار منفی و معنی‌دار است. تجزیه منابع بی‌ثباتی نیز نشان داد زیربخش‌های باغداری، زراعت، دامداری و شیلات به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نوسان صادرات بخش کشاورزی دارند. در زیربخش زراعت، محصولات پیاز، گوجه‌فرنگی، ادویه‌جات، انواع دانه‌های روغنی، منسوجات و شکر و در زیربخش باغبانی انواع بادام، مرکبات، خرما، فندق و پسته و در زیربخش دامداری، انواع دام زنده، پوست و پشم درجه بالای رقابت‌پذیری را در بازارهای جهانی دارند.

با توجه به ادبیات پژوهش، عدم اتفاق نظر عمومی درباره چگونگی ارتباط توسعه مالی و رشد بخش‌های گوناگون، بر اساس دیدگاه‌های عنوان شده و هم‌چنین، نتایج مطالعات تجربی صورت گرفته مشهود می‌باشد، اما دیدگاه‌های مطرح شده با توجه به شرایط گوناگون تحلیل و شرایط اقتصادی موجود می‌توانند درست باشند. لذا، این مطالعه جهت پوشش دادن نتایج و یافتن پاسخ برای مغایرت‌های به‌دست آمده از مطالعات گذشته است. با عنایت به بررسی مطالعات فوق به نظر می‌رسد، خلاء انجام مطالعه‌ای در خصوص تأثیر گسترش مالی و آزادی

آزادی اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. نتایج مطالعه‌ای (Aisen & Veiga, 2011) به بررسی تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ۱۶۹ کشور طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۶۰ پرداختند. نتایج مطالعه بیانگر این است که درجه بالای بی‌ثباتی سیاسی با رشد اقتصادی توأم است. آن‌ها معتقدند بی‌ثباتی سیاسی از طریق کاهش بهره‌وری سبب کند شدن نرخ رشد اقتصادی می‌گردد و با درجه کمتر بر سرمایه‌فیزیکی و سرمایه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین، بیان می‌دارند شاخص آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، نرخ ثبت نام ابتدایی، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و همگنی نژادی رابطه مثبت و معنی‌دار با رشد اقتصادی دارند. (Khodaparast mashhadi et al. 2015) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها با استفاده از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) نشان داد که اثر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران مثبت و معنی‌دار است و آزادی اقتصادی نسبت به سرمایه اجتماعی تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی ایران دارد. (Kohansal & Hatef 2015) به بررسی آثار متقابل توسعه مالی، سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی در بخش کشاورزی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۵۷ و با به-کارگیری روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداختند. نتایج مطالعه نشان می‌دهند که توسعه مالی از طریق سرمایه-گذاری داخلی تأثیری مثبت و معنی‌دار بر رشد کشاورزی دارد، اما توسعه مالی به گونه مستقیم اثری معنی‌دار بر رشد کشاورزی ندارد. (Ahanghari & Kamranpur 2016) تأثیر توسعه مالی و ارزش افزوده بر مصرف انرژی را در بخش‌های صنعت و کشاورزی ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۲ با استفاده از روش آزمون همگرایی باند مورد آزمون قرار دادند. نتایج مطالعه نشان می‌دهند که در کوتاه‌مدت و بلندمدت در هر دو بخش، رشد توسعه مالی و ارزش افزوده سبب افزایش مصرف انرژی خواهد شد. در واقع، نتایج بیانگر ارتباط مثبت بین توسعه مالی و رشد در دو بخش صنعت و کشاورزی است. (Noroz et al. 2019) به بررسی آثار متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست حمایتی بر رشد بخش کشاورزی در ایران

مختلفی استفاده شود. این آزمون‌ها شامل آزمون اف - لیمر، آزمون هاسمن و آزمون ضریب لاگرانژ می‌باشند. آزمون اف لیمر، این آزمون که به آزمون معنی‌دار بودن اثرهای ثابت و نیز به آزمون معنی‌داری مقطع معروف است، الگوی تلفیق شده (تجمیعی) را در مقابل الگوی اثرهای ثابت بررسی می‌کند. آماره آزمون اف لیمر، بر مبنای - مجموع مربعات خطای مدل مقید و مدل غیرمقید به صورت زیر است:

$$F = \frac{RSS_R - RSS_{UR} / N - 1}{RSS_{UR} / NT - N - K} \quad (1)$$

آزمون ضریب لاگرانژ: برای تعیین مدل اثرهای تصادفی در مقابل مدل تلفیقی از آزمون LM بروش - پاگان استفاده می‌شود. برای محاسبه آماره از خطای برآورد تلفیقی به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$LM = \frac{NT}{2(T-1)} \left[\frac{T^2 \sum e_{i0}^2}{\sum \sum e_{it}^2} - 1 \right] \approx \chi \quad (2)$$

آزمون هاسمن: رایج‌ترین آزمون برای تعیین نوع مدل داده‌های ترکیبی یعنی تعیین نوع اثر متغیرهای توضیحی، آزمون هاسمن است. در آزمون فرضیه اگر مقدار آماره محاسباتی از مقدار بحرانی جدول بزرگ‌تر باشد، روش اثرهای ثابت سازگار و روش اثرهای تصادفی ناسازگار است و باید از روش اثرهای ثابت استفاده کرد (Ghorbani & Shayan Mehr, 2017). برای بررسی پایایی متغیرهای بررسی و جلوگیری از رگرسیون کاذب، از آزمون Levin et al (2017) استفاده شد. مطابق با نظریه‌های مطرح شده، در به‌کارگیری متغیرهای مفید پیرامون تأثیر گسترش مالی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی متغیرهای پژوهش انتخاب گردید. بنابراین، با توجه به مطالب گفته شده، و همچنین، با الهام گرفتن از

اقتصادی بر رشد تولیدات کشاورزی منتخبی از کشورهای خاورمیانه با تأکید بر ایران احساس می‌شود. این پژوهش به لحاظ موضوع و انتخاب کشورهای مورد بررسی، دارای نوآوری می‌باشد.

روش تحقیق

هدف از انجام این مطالعه تأثیر توسعه مالی و آزادی اقتصادی بر رشد تولیدات کشاورزی کشورهای خاورمیانه با تأکید بر ایران می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش داده‌های ترکیبی (تابلویی) و آمارهای مربوط به ۱۷ کشور برای سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۶ (۱۳۹۶-۱۳۸۵) تأثیر توسعه مالی و آزادی اقتصادی بر رشد تولیدات کشاورزی تخمین زده می‌شود. داده‌های تابلویی دارای اطلاعات بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، همخطی کمتر، درجه آزادی بالاتر و کارایی بالاتر نسبت به سری زمانی و داده‌های مقطعی می‌باشند. به خصوص اینکه یکی از روش‌های کاهش همخطی، ترکیب داده‌های مقطعی و زمانی به صورت داده‌های تابلویی می‌باشد. با مجموعه داده‌های تابلویی، می‌توان اثراتی را شناسایی و اندازه‌گیری کرد که با داده‌های مقطعی محض یا سری زمانی خالص قابل شناسایی نیست. گاهی استدلال می‌شود داده‌های مقطعی، رفتارهای بلندمدت را نشان می‌دهند، در حالی که در داده‌های سری زمانی بر اثرات کوتاه‌مدت تأکید می‌شود. با ترکیب این دو خصوصیت در داده‌های تابلویی، ساختار عمومی‌تر و پویاتری را می‌توان تصریح و برآورد کرد (Baltagi, 2005). داده‌های تابلویی که بر حسب بنگاه‌ها، خانوارها و افراد جمع‌آوری می‌شوند، ممکن است دقیق‌تر از داده‌های مشابه اندازه‌گیری شده در سطح کلان باشند. بنابراین، تورشی که ممکن است در داده‌های کلان حاصل شود، در داده‌های تابلویی حداقل می‌گردد (Baltagi, 2005). داده‌های تابلویی از طریق فراهم کردن تعداد داده‌های زیاد، تورش را پائین می‌آورد. مطالعه مشاهدات به صورت داده‌های پانلی، وضعیت بهتری برای مطالعه و بررسی پویایی تغییرات نسبت به سری زمانی و مقطعی داراست. برای تعیین نوع مدل استفاده شده در داده‌های ترکیبی باید از آزمون‌های

1. F-Leamer
2. Hausman test
3. Lagrange Multiplier
4. Pooled Regression
5. Breusch- Pagan LM Test

بعد از جمع‌آوری آمار، بررسی ویژگی‌های مانایی یا ایستایی متغیرهاست. مانایی به این معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. برای این منظور از آزمون مانایی (Levin et al (2017) داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. مطابق با نتایج جدول ۱، متغیرهای توسعه مالی، آزادی اقتصادی و نیروی کار در سطح مانا می‌باشند. ولی متغیرهای تولیدات بخش کشاورزی (رشد اقتصادی بخش کشاورزی) و سرمایه فیزیکی در سطح مانا نبودند. برای رفع این مشکل تفاضل مرتبه اول انجام گردید. در نتیجه با یکبار تفاضل‌گیری متغیرهای رشد اقتصادی بخش کشاورزی و سرمایه فیزیکی نیز مانا گردید.

جدول ۱- نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	در سطح		یکبار تفاضل‌گیری	
	آماره t	سطح	آماره t	سطح
Ln AGDP	۲/۳۰	۰/۰۷	۲/۶۱	۰/۰۰۲
Ln FD	۳/۴۴	۰/۰۰۱	-	-
Ln EF	۲/۱۱	۰/۰۰۵	-	-
Ln K	۱/۲۱	۰/۰۸	۱/۶۶	۰/۰۰۱
Ln L	۲/۱۸	۰/۰۳	-	-

بررسی وجود هم‌جمعی نیز در داده‌های ترکیبی بسیار مهم است. برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب قبل از برآورد مدل، آزمون‌های هم‌جمعی انجام می‌گیرد تا پس از وجود رابطه بلندمدت، الگوی مورد نظر تخمین زده شود. برای انجام این آزمون از روش هم‌جمعی پدرونی استفاده می‌گردد.

جدول ۲- نتایج آزمون هم‌جمعی پدرونی متغیرهای پژوهش

نوع آزمون	آماره تی	سطح معنی‌داری
PP	-۴/۱۱	۰/۰۰۱
ADF	-۲/۴۱	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۲، مشاهده می‌شود فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی رد می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

مدل پژوهش (Murphy & Yeom, 2018) در این مطالعه به‌منظور تأثیر گسترش مالی و آزادی اقتصادی بر رشد تولیدات کشاورزی منتخبی از کشورهای خاورمیانه، الگوی زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

$$\text{LnGDPA} = F(\text{LnFD}, \text{LnEF}, \text{LnL}, \text{LnK}) \quad (۳)$$

که در آن: Ln: در ابتدای هر متغیر نشان دهنده لگاریتم‌گیری از آن متغیر است. علت این امر آن است که گاهی داده‌های خامی که برای تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد مناسب گروهی از آزمون‌های آماری نیست و برای این‌که بتوان از این دسته آزمون‌های آماری استفاده شود و دقت تحلیل بالا رود باید در داده‌های خام تغییرات ایجاد شود.

AGDP: تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی، FD: توسعه مالی (نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی) (Hoshmand & Danesh nia, 2012)، EF: آزادی اقتصادی (Amiri et al, 2019)، L: نیروی کار (نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی، که به‌صورت درصدی از کل نیروی کار استخدام شده می‌باشد)، K: سرمایه فیزیکی یا موجودی سرمایه (مجموع داده‌های مربوط زمین کشاورزی، ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی) (Hoomani Farahani et al, 2018). دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۵ (۲۰۱۷-۲۰۰۶) می‌باشد. لازم به ذکر است کلیه داده‌های آماری از سایت بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و موسسات هریتیج جمع‌آوری گردید.

نتایج و بحث

به‌دلیل ماهیت خاص داده‌های بین کشوری، از روش برآورد داده‌های تلفیقی (Panel Data) در آزمون‌ها بهره گرفته شده است و برآورد مدل با استفاده از نرم افزار Eviews10 انجام یافته است. اولین گام برای برآورد الگو

۱. این متغیر از میانگین وزنی شاخص‌های آزادی کسب و کار (BF)، آزادی تجاری (TF)، آزادی مالیاتی (FF)، آزادی دولت (Gs)، آزادی پولی (MF)، آزادی سرمایه‌گذاری (IF)، آزادی مالی (FMF)، آزادی حقوق مالکیت (PT)، آزادی جلوگیری از فساد (FFC) و آزادی نیروی کار (LF) به دست آمده است.

همان‌گونه که در جدول ۴، ملاحظه می‌شود مقدار آماره کی- دو محاسباتی بزرگ‌تر از مقدار آماره کی- دو بحرانی جدول است. لذا، فرضیه H_0 رد می‌شود. به عبارت دیگر اثرات تصادفی ناسازگار بوده و در برآوردهای انجام‌یافته لازم است از روش اثرات ثابت استفاده شود. بر این اساس الگوی نهایی برای برآورد مدل‌های مورد بررسی، مدل اثرات ثابت است. پس از بررسی فروض کلاسیک به‌منظور رفع مشکل خودهمبستگی، مدل با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برآورد شده است. با توجه به آماره آزمون، ضرایب در سطح ۹۵٪ معنی‌دار و قابل قبول است. قدرت توضیح‌دهندگی مدل حدود ۹۱٪ است. بدین معنی که متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۹۱٪ از نوسانات متغیرهای وابسته را توضیح دهند. مقادیر آماره F و دوربین- واتسون نیز در سطح قابل قبولی است که بر صحیح بودن برآوردها و فقدان خودهمبستگی در اجزای اخلاص تاکید دارد. در ادامه در جدول ۵ نتایج برآورد مدل نشان داده شده است.

بر اساس نتایج جدول ۵، رابطه مستقیمی بین متغیر گسترش مالی و رشد اقتصادی بخش کشاورزی وجود دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت گسترش و توسعه مالی باعث تسریع سرمایه‌گذاری و در نهایت، کمک به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. لذا توسعه و گسترش بازارهای مالی در بخش کشاورزی این کشورها از اهمیتی ویژه برخوردار است (Hoomani Farahani et al, 2018). در واقع، توسعه و گسترش مالی در بخش کشاورزی سبب افزایش سرمایه و منابع مالی در این بخش می‌شود، با افزایش سرمایه‌گذاری نیز تأمین مالی فرآیند تولید آسان خواهد شد و زمینه برای استفاده از فناوری‌ها و روش‌های نوین تولیدی ایجاد می‌شود و این مساله رشد بخش کشاورزی را فراهم می‌کند. نتایج بیان‌گر آن است که بین متغیر آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی بخش کشاورزی نیز رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت یکی از مقولات مهم در اقتصاد کشورهای خاورمیانه، نگرانی از وارد شدن به اقتصاد جهانی و آزادی اقتصادی و تأثیر آن

رابطه بلندمدت وجود دارد. انتخاب نوع تخمین‌زن در داده‌های تابلویی مستلزم برخی آزمون‌های تشخیصی است. این آزمون‌ها اغلب عبارتند از: آزمون F لیمر، آزمون هاسمن، آزمون ناهمسانی واریانس و آزمون خودهمبستگی سریالی. فرضیه صفر در آزمون هاسمن کارا بودن روش اثرات تصادفی نسبت به اثرات ثابت و فرضیه مقابل برتری اثرات ثابت نسبت به اثرات تصادفی می‌باشد. در روش اثرات تصادفی تفاوت‌های کشوری در اجزای اخلاص مدل‌سازی می‌شوند، در حالی که در روش اثرات ثابت این تفاوت‌ها در عرض از مبدا خاص هر کشور لحاظ می‌شوند (Baltagi, 2005). در روش داده-های تلفیقی در ابتدا دو آزمون انجام می‌گردد. برای تعیین حالت برابری عرض از مبدا کشورها با حالت تفاوت در عرض از مبدا کشورها از آزمون F و برای تشخیص استفاده از روش اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است.

جدول ۳- آزمون F برای تشخیص اثرات مقطعی یا گروه‌ها

آماره بحرانی	احتمال	آماره محاسباتی لیمر	نتیجه آزمون
۲/۳۴	۰/۰۰	۴۳/۵۴۳۲۰	وجود اثرات گروه‌ها تایید شده است

بر مبنای آزمون F وجود اثرات مقطعی و گروهی بررسی شده است. مطابق با نتایج جدول ۳، مقدار آماره F محاسباتی بزرگ‌تر از مقدار آماره F بحرانی جدول است. بنابراین، فرضیه H_0 مبنی بر عدم همگن بودن کشورها رد شده و اثرات گروه‌ها پذیرفته می‌شود. لذا، برای برآوردهای انجام یافته لازم است عرض از مبدهای مختلفی لحاظ گردد.

جدول ۴- آزمون هاسمن برای تشخیص استفاده از اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی

آماره بحرانی	احتمال	آماره محاسباتی کی - دو	نتیجه آزمون
۱۲/۵۹۲	۰/۰۰	۱۸۸/۶۵۴۱۰۰	اثرات گروه‌ها به صورت ثابت هستند

بر رشد بخش‌های اقتصادی به‌ویژه بخش کشاورزی می‌باشد. در دهه ۱۹۹۰ نظریه‌پردازهای تجارت، الگوهای مختلفی را ارایه کرده‌اند که بر اساس آن‌ها آزادسازی اقتصادی با افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، انتقال و گسترش دانش، آثار یادگیری از طریق عمل و افزایش اندازه بازارها رشد اقتصادی را تحریک می‌کند. الگوهای مذکور پیش‌بینی می‌کنند که آزادسازی اقتصاد از طریق رشد بهره‌وری آثار مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. از زمان آدام اسمیت، اقتصاددانان درباره آثار مثبت

آزادی اقتصادی بر نرخ رشد اقتصادی آگاهی داشته‌اند، طبق نظریه‌های اقتصادی، آزادی اقتصادی منجر به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر شدن رشد بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود. در یک اقتصاد باز از آنجایی که بنگاه‌ها به بازارهای بزرگ‌تری دسترسی دارند؛ لذا، انگیزه و امکان بیشتری دارند تا با استفاده از ابتکارات و اختراعات بتوانند از منابع تولید انبوه بهره ببرند.

جدول ۵- نتایج برآورد تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (رشد تولیدات بخش کشاورزی)

متغیرها	ضرایب	آماره تی	معنی‌داری
FD	۰/۳۹	۳/۳۰	۰/۰۰۴۱
EF	۰/۴۲	۳/۰۶	۰/۰۰۳۳
L	۰/۳۱	۵/۳۴	۰/۰۰۰
K	۰/۱۲	۴/۱۱	۰/۰۰۰

R²=۰/۹۱
DW=۲/۳۱
F=۲۷۳/۸۸

بخش مهمی از مطالعات نشان می‌دهد آزادی اقتصادی، وقتی بنگاه‌های داخلی را در معرض رقابت قرار می‌دهد، باعث نظم‌دهی آن‌ها شده و کارایی تمام بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد و به این ترتیب با افزایش بهره‌وری، صادرات آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و با این افزایش احتمال بقای آن‌ها نیز بیشتر می‌شود (Konings & Xavier, 2002). آزادی اقتصادی در بخش کشاورزی ممکن است امکان دسترسی به بازار کشورهای در خاورمیانه را افزایش دهد و چشم‌اندازهای صادراتی را برای بسیاری از کالاهای کشاورزی بهبود بخشد. کاهش حمایت از بخش کشاورزی و یارانه‌ها ممکن است به افزایش قیمت‌ها در بازارهای جهانی بیانجامد. این عوامل در میان مدت احتمالاً انگیزه‌ای برای تولید مواد غذایی در کشورهای خاورمیانه و به دنبال آن کاهش واردات مواد غذایی خواهد بود. می‌توان انتظار داشت افزایش قیمت‌های جهانی کالاهای کشاورزی منافع خالصی برای کشورهای خاورمیانه داشته باشد. اما توزیع این منافع می‌تواند در هر یک از این کشورها متفاوت باشد. شاید

درآمد کشورهای که دچار کمبود مواد غذایی‌اند دچار افت شود، چرا که مجبورند برای واردات مواد غذایی بهای بیشتری بپردازند. بنابراین، باید مواظب بود که منافع این کشورها در فرآیند آزادی اقتصادی کشاورزی حفظ شود. کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه ایران باید متوجه باشند که در فرآیند آزادی اقتصادی کشاورزی در جهت نوسازی بخش کشاورزی در مدت معین، به سیاست‌های تشویقی انگیزش مداومی احتیاج است. کشورها خاورمیانه با باز کردن اقتصادهای خود، نه تنها موجب انتقال کالاها، خدمات و منابع مالی کشورهای صنعتی به کشورهای خود می‌شوند؛ بلکه همچنین، آثار توسعه‌ای حاصل از انتقال فناوری‌ها و الگوهای مصرف این کشورها را نیز وارد می‌کنند. و ظرفیت‌های بیشتری برای تولید فرآورده‌های کشاورزی ایجاد، و بدون کاهش مصرف داخلی، مازاد آن‌ها را صادر کنند (Pingali & Stringer, 2004). بر اساس نتایج جدول ۵، رابطه نیروی کار و سرمایه با رشد اقتصادی بخش کشاورزی مستقیم و معنی‌دار است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که

توصیه می‌شود دولت نظام بانکی را تقویت کرده تا از این طریق به تخصیص بهینه منابع مالی کمک کند و منابع مالی بیشتر به سمت طرح‌های سرمایه‌گذاری مولد بخش سوق داده شوند.

نتایج نشان داد که متغیر آزادی اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد تولیدات بخش کشاورزی دارد. این نتیجه با نتایج مطالعات (Amiri et al, 2019)، (Aisen & Veiga (2011) همخوانی دارد. بنابراین، کاهش تصدی دولت، پیگیری منافع شخصی، افزایش بهره‌وری توصیه می‌شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود با کاهش محدودیت تجاری نظیر تعرفه‌ها از یک طرف و توسعه صادرات از طرف دیگر، در جهت افزایش رشد اقتصادی بخش کشاورزی گام‌های اساسی برداشته شود. بنابراین با آزادسازی اقتصادی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود، استفاده بهینه به‌عمل آمده و منابع و عوامل تولید نیز با حداکثر کارایی در تولید به کار گرفته می‌شود. کشورهای خاورمیانه با باز کردن درهای تجارت و افزایش صادرات و واردات از طریق از بین بردن موانع تعرفه‌ای و محدودیت‌های تجاری می‌توانند رشد بیشتری در بخش کشاورزی داشته باشند. گسترش ارتباط بخش کشاورزی در کشورهای خاورمیانه با بازارهای جهانی نیز می‌تواند موجبات رشد سریع‌تر این بخش‌ها را فراهم آورد و تحقق چنین اهدافی با رفع موانع صادراتی و گسترش تجارت جهانی میسر می‌گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های تشویقی مناسب در جهت صادرات بیشتر و رفع موانع آزادی اقتصادی و تجارت مانند کاهش تعرفه برای بخش کشاورزی در این کشورها اتخاذ گردد. از آنجا که آزادی اقتصادی یکی ابزارهای جهانی شدن است و فرآیندی است که در جهان، در حال گسترش است و تمام کشورهای جهان مجبور به پیوستن به این جریان هستند. بنابراین، لازم و ضروریست که دولت‌ها زمینه و شرایط لازم را برای رویارویی با این تحول فراهم آورند. در کشورهای خاورمیانه که عمدتاً در حال توسعه هستند لازم است دولت‌ها در کنار رفع موانع صادراتی و محدودیت‌های تجاری، زمینه‌های لازم برای بیشتر شدن کارایی بخش کشاورزی را به‌وجود آورند تا این بخش‌ها در پی رقابت با کالاهای جهانی، متحمل ضربه جدی و جبران‌ناپذیر

در کشاورزی نیروی کار و توانایی‌های فکری و مهارتی او وسیله و هدف به‌شمار می‌روند. این پارادایم را می‌توان به وضوح در نظریه توانمندسازی نیروی انسانی شولتز که مقبولیتی جهانی یافته است مشاهده کرد. توانمندی انسان‌ها سبب پیدایش نهاده با ارزشی به نام سرمایه انسانی می‌شود که هم توانایی استفاده بهینه منابع در اختیار را دارد و هم قادر است شرایط جدیدی را ایجاد نماید که در آن تکنولوژی‌های جدید و سازگار خلق شوند. در بررسی عوامل مؤثر در توسعه کشاورزی اهمیت نیروی کار، انگیزه و توانایی‌های فکری و تولیدی وی محور توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، در یک کشاورزی توسعه یافته شرایطی پدید می‌آید که زیربنای آن نیروی کار است (Becker et al, 2001). سرمایه یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید بشمار می‌آید. لذا، این نهاده نقشی بسزا در افزایش سطح تولید فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه، افزایش بهره‌وری دیگر عوامل تولید دارد. از این‌رو، یکی از عوامل مهم برای رشد بخش کشاورزی، عامل سرمایه و سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک عنصر کلیدی رشد و توسعه می‌باشد (Shahbazi & Saeidpour).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه تأثیر توسعه مالی و آزادی اقتصادی بر رشد تولیدات کشاورزی (مورد مطالعه: منتخب کشورهای خاورمیانه) طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۶ بود. نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنی‌دار توسعه مالی و رشد تولید بخش کشاورزی بود. این نتایج با نتایج مطالعه (Caldron & Liu (2003)، Bojanic (2012) و (Chen et al (2013) همخوانی دارد. در این راستا، پیشنهاد می‌گردد کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران با اقدام‌هایی مانند ایجاد فضای رقابتی در سیستم بانکی این کشورها، انتخاب درست متقاضیان وام، تخصیص مطلوب منابع مالی بین بخش‌های گوناگون کشاورزی و سایر بخش‌ها، زمینه رشد بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های مهم در رسیدن به رشد اقتصادی کشورها، فراهم شود. بهبود و توسعه بخش مالی به‌منظور ایفا کردن نقش فعال این بخش در فرآیند رشد اقتصادی و نیز تخصیص بهینه منابع مالی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین،

نشوند. کاهش تعرفه‌ها و موانع تجاری به صورت یکباره ممکن است این بخش را با مشکل روبه‌رو کند، در صورتی که کاهش تدریجی و بلندمدت آن‌ها باعث می‌گردد این بخش‌ها به تدریج خود را با شرایط جدید سازگار کرده و به سطح جهانی برسند. کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران برای ایفای نقش رقابت‌آمیز، باید مزیت‌ها و بهره‌وری محصولات کشاورزی خود را از راه اعمال تغییرات لازم در الگوهای مناسب کشت، بهبود فناوری‌های تولید، ارتقای کانال‌های بازاریابی و دیگر راهکارهای تکمیلی افزایش دهند تا از منافع واقعی ناشی از آزادی اقتصادی بهره‌مند شوند که همانا یکی از منافع مهم آن برقراری و ثبات امنیت غذایی کشور است. همچنین، افزایش نسبت صادرات محصولات گروه کالاهای کشاورزی می‌تواند زمینه افزایش مقدار صادرات و بهبود کیفیت تولید مواد غذایی را فراهم کند. با توجه به رابطه مثبت نیروی کار با رشد اقتصادی بخش کشاورزی، ارتقای کیفیت نیروی کار می‌تواند بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد و بدین ترتیب، بر بازده اقتصادی در آینده تأثیر مطلوبی بگذارد. همچنین، انباشت سرمایه انسانی از طریق آموزش نقش مهمی را در فرآیند رشد اقتصادی بخش کشاورزی دارد. همچنین، با توجه به تأثیر مثبت و معنی‌دار سرمایه با رشد اقتصادی بخش کشاورزی مواردی همچون توجه کافی به ایجاد و توسعه شرکت‌های سرمایه‌گذاری کشاورزی، ایجاد تعاونی‌ها و صندوق‌های اعتبارات با مشارکت کشاورزان، توسعه بیمه محصولات کشاورزی به منظور کاستن از زیان مخاطرات و عدم اطمینان، برنامه‌ریزی درست برای صادرات و واردات محصولات کشاورزی برای جلوگیری از نوسان‌های شدید قیمتی آن‌ها پیشنهاد می‌گردد.

می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بین توسعه بخش مالی اقتصاد و توسعه اقتصادی رابطه‌ای تنگاتنگ و نزدیک برقرار است. عدم توسعه بخش مالی یکی از دلایلی است که کشورهای فقیرتر میل بیشتری به کاهش بیشتری در تولید کل خود نسبت به اقتصادهای پیشرفته‌تر نشان می‌دهند. توسعه سیستم‌های مالی از طریق افزایش سطح پس‌اندازها، سرمایه‌گذاری‌ها و متنوع‌سازی بازارهای مالی کشور منجر به تخصیص

مناسب‌تر منابع و نهایتاً رشد اقتصادی سریع‌تر می‌گردد. همچنین، مردم در این شرایط به این بازارهای اعتماد پیدا کرده، ثبات بلندمدت نظام مالی حفظ شده و در نهایت، اجزای تشکیل‌دهنده نظام مالی مورد اتکا و اعتماد می‌شوند. از طرفی، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، علاوه بر اینکه موجب تولید و اشتغال می‌گردد، با توجه به ارتباط پسین و پیشین این بخش با دیگر بخش‌ها، به رشد و تولید در بخش‌های دیگر نیز کمک می‌کند. با توجه به این که بخش کشاورزی یکی از بخش‌های مهم اقتصاد، بویژه در کشورهای در حال توسعه است که صنعت آن‌ها هنوز به آن مقدار از پیشرفت برای دست یافتن به رشد اقتصادی مطلوب و پایدار نرسیده و همچنین، بخش شایان توجهی از تولید و اشتغال این کشورها را پوشش می‌دهد. یکی از موارد همکاری این کشورها بخش کشاورزی است که نقشی تعیین‌کننده در اقتصاد کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. از سوی دیگر، توسعه و پویایی بخش کشاورزی نیازمند وجود بازار مالی توسعه یافته است؛ از این رو، این کشورها بایستی با گسترش بازارهای مالی و استفاده از گروه‌های تخصصی، متشکل از کارشناسان و مسئولان امور کشاورزی، زمینه‌های افزایش هر چه بیش‌تر عملکرد این بخش را به وجود آورند. بنابراین، توسعه بازارهای مالی می‌تواند با کمک به تأمین سرمایه مورد نیاز و افزایش بهره‌وری عوامل تولید، سبب بهبود رشد بخش‌های گوناگون اقتصادی که در آن توسعه مالی صورت گرفته، شود، اما از سوی دیگر، با افزایش سرعت گردش پول سبب افزایش تورم و کاهش رشد اقتصاد خواهد شد. در کشورهای در حال توسعه بخش کشاورزی از سویی به لحاظ توانمندی‌ها و ظرفیت‌های شایان توجهی که در تأمین مواد غذایی مردم و تهیه مواد اولیه برخی از صنایع دارد و از سوی دیگر، به دلیل اینکه این بخش در این گروه از کشورها در حال تبدیل شدن از حالت سنتی به تجاری می‌باشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع موجب قوی‌تر شدن پیوند کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی در این کشورها می‌گردد. به طور کلی، می‌توان گفت جهانی‌سازی باعث رشد سریع تجاری در جهان و کاهش هزینه اطلاعات و ارتباطات می‌شود. از سویی منافع بالقوه تجاری مربوط به بخش کشاورزی افزایش خواهد

یافت و از سویی دیگر توانایی دسترسی به بازارهای جهانی به‌ویژه در زیر بخش‌هایی که مزیت نسبی در آن‌ها وجود دارد، منافع زیادی همچون افزایش مستقیم دامنه عمل بخش کشاورزی برای رقابت در عرصه جهانی به همراه خواهد داشت.

REFERENCES

1. Abdolahi, M. (2005). Investment and financial market challenges in agriculture. *Jornal of Ranand*, 49: 169-200. (In Farsi).
2. Ahanghari, A., & Kamranpur, S. (2016). The effect of financial development and value added on energy consumption in Iran s agriculture and industry sectors. *Journal of Applied Economics Studies*, 5 (19):269- 286. (In Farsi).
3. Aisen, A. & Veiga, F. (2011). How Does Political Instability Affect Economic Growth? *IMF Working Paper*, 11/12: 1-28.
4. Amiri, H., Norooziamogheen, F., Pirdadeh beyranvand, M. & Alizadeh, S. (2019). The Study of Economic Freedom on Economic Growth with Resistance Economics Approach (Case Study: Regional Countries). *Economic Journal*, 18 (5): 5-30. (In Farsi).
5. Babaki, R., & Salimifar, R. (2014). The role of business environment and economic freedom in the economic growth of selected countries using the panel data approach 2013-2004. *Journal of Economy and Regional Development*, 8(21): 122-151. (In Farsi).
6. Baltagi, B. (2005). *Econometric analysis of panel data*, 3th edition, John Wiley.
7. Bojanic, A.N. (2012). The impact of financial development and trade on the economic growth of Bolivia. *Journal of Applied Economics*, 15(1): 51-70.
8. Caldrón, C. & Liu, L. (2003). The direction of causality between financial development and economic growth. *Journal of Economic Development*, 72(1): 321-334.
9. Chen, K.C., Wu, L. & Wen, J. (2013). The relationship between finance and growth in china, *Global Finance Journal*, 24(1): 1-12.
10. Hoomani Farahani, M., Shahbazi, K., & Faalju, H. R. (2018). The effects of einancial development on value added of agriculture in D8 countries. *Jornal of Agricultural Economics Research*, 10 (38):135-154. (In Farsi).
11. Hoshmand, M. & Danesh nia, M. (2012). Impact of Financial Development on Economic Growth in Iran. *Monetary & Finational Economics (Previously Knowledge & Development) Journal of Faculty of Economics*, 18 (2): 35-60. (In Farsi).
12. Jafarie samimi, A, & Salehi, A. (2013). The impact of economic freedom indicators on financial corruption in developing countries with emphasis on Iran. *Journal of Business Review*, 11 (61): 1-107. (In Farsi).
13. Khodaparast mashhadi, M., Falahi, M. & Ariana, A. (2015). The impact of iocial capital and economic freedom on Iranian economic growth. *Iranian Economic Journal: Macroeconomics (IEJM)*, 9 (17): 3-17. (In Farsi).
14. Kohansal, M. & Hatef, H. (2015). The study of financial development, foreign investment and economic growth interactions in Iran agricultural sector. *Agricultural Economics and Development*, 22 (88):1-22. (In Farsi).
15. Konings, J., & Xavier, A. (2002). Firm Growth and Survival in a Transition Country, *Licos Discussion Paper*: 68-86.
16. Murphy, R. & Yeom, L. (2018). The Long-Run Impact of Agricultural Diversity on Economic Freedom at the Local Level. *Journal of Regional Analysis & Policy*, (48): 1-6.
17. Norozi, H., Hoseini, S. & Ansari, V. (2019). Investigating the Effects of Macroeconomic Variables and Support Policy on the Growth of the Agricultural Sector in Iran. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 4 (49): 587-605.
18. Oladipo, O. (2011). Does trade liberalization cause long run economic growth in Mexico, international. *Journal of Economic and Finance*, 3: 47-63.
19. Pingali, P., & Sringer, R. (2004). Agriculture contributions to economic and social development, *Electronic Journal of Agricultural and Development Economics*, 1: 1-19.
20. Pishbahar, E., Rahimi, J., Dashti, G. & Ghahremanzad, M. (2015). The effects of agricultural trade instability and volatility on growth of agricultural sector in Iran. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 2 (46): 299-310.
21. Salami, H. (2016). Decomposition of the effect of technological change on output growth in Iranian agricultural sector: A structural decomposition analysis. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 4 (46): 465-781.

22. Shafee, M.J. & Zartaart pisheh, Z. (2012). The role of privatization and liberalization of the economy in the resistance economy. National Conference on Resistance Economics, Rasht, University of Gilan. (In Farsi).
23. Shah Abadi, A. & Mahmudie, A. (2006). Determinants of foreign direct investment (a case study for Iran). *Journal of Iran Economic Essays*, 3 (92): 92-129. (In Farsi).
24. Shahbaz, M., Van Hoang, T. H., Mahalik, M. K., & Roubaud, D. (2017). Energy consumption, financial development and economic growth in India: New evidence from a nonlinear and asymmetric analysis. *Journal of Energy Economics*, 63: 199-212. (In Farsi).
25. Shahbazi, K. & Saeidpour, L. (2013). Threshold of financial development on economic growth in D-8 countries. *Journal of Economic Growth and Development Research*, 3 (12): 21-38. (In Farsi).